فصلنامه پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۷
صفحات ۱۱۷ ـ ۱۰۱

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Research Journal
Vol. 4 , No 12 , Spring 2008

مهدویت در کلام سیاسی امام خمینی

رضا شجاعی مهر[۱]

چکیده

این نوشتار پس از تعریف کلام سیاسی، جهان‌بینی جامع امام خمینی را که بر پایه حکمت صدرایی است و مهم‌ترین ویژگی ایشان با دیگر عرفا و فقها به شمار می‌آید، بررسی می‌کند و در ادامه، با توجه به آموزه مهدویت که از کلیدی‌ترین گزاره‌های اعتقادی شیعه محسوب می‌شود، به جست‌وجوی این واقعیت می‌پردازد که قرائت ایجابی امام خمینی از آموزه مهدویت که حاصل سه نگاه عرفانی، کلامی و سیاسی ایشان است، توانست این آموزه را از یک بحث اعتقادی ـ کلامی محض به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی وارد سازد و سرانجام به ظهور انقلاب اسلامی و آفرینش تمدن بزرگ اسلامی بینجامد.

واژگان کلیدی

مهدویت، امام خمینی، کلام سیاسی، انتظار فرج، حکومت دینی.

---

۱ . کارشناس ارشد مدرسی معارف اسلامی، مدرس مرکز تخصصی مهدویت.
تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۱۰ پذیرش نهایی: ۸۷/۹/۱۴

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

مقدمه

زمان همچون رودخانه‌ای سیّال است و انسان‌ها در آن شناورند و این درک لحظه‌هاست که ایشان را از یکدیگر متمایز می‌سازد. شناخت آنات زمان به برجستگی شخصیتی آن‌ها ژرفا می‌بخشد و فرزانگان را از غیر آنان جدا می‌کند. فرزانگان واقعی کسانی هستند که قدر فرصت‌ها را می‌شناسند و در پی آنند تا با آمیزش نظر و عمل ردایی به قامت بشریّت بر تن تاریخ بپوشانند.

هویت برخی انسان‌ها تعریف‌ناپذیر است، به‌گونه‌ای‌که ارتفاع و بلندای شخصیت آن‌ها، سایش هر قلمی را خوار می‌دارد و پهنای هر ورقی را به تسخیر درمی‌آورد. امام خمینی گرچه فرزند سنّت بود، ولی توجه او به روح زمانه خویش، وی را انسانی سازگار با بنیادهای عصر و اجتماع خویش ساخته بود. او از عرفای کم‌نظیر بود که وقتی از نردبان معنا بالا می‌رفت، بار دیگر از این پلکان پایین آمده و به میان خلق برگردد. ازاین‌رو، مطالعه و کاوش در ابعاد اندیشه ایشان، آگاهی از کنه شخصیت ایشان را آسان می‌سازد. هندسه شخصیتی امام، هرم کاملی بود که تعبد و تعقل، عقل و عشق و دین و سیاست را در درون خود به عاریت داشت.

در این مقاله برآنیم تا اندیشه‌های شخصیت فرا تاریخی را بررسی کنیم که با تزویج دین و دولت و طرح تئوری تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت با هدف زمینه‌سازی برای ظهور دولت کریمه حضرت ولی عصر تحوّلی شگرف در کلام سیاسی شیعه پدید آورد و گفتمان جدیدی در این حوزه پایه‌گذاری نمود. از این رو، ابتدا پس از تعریف کلام سیاسی، چارچوب فکری امام خمینی را به تصویر خواهیم کشید و در ادامه، آرا و اندیشه‌های کلامی ـ سیاسی ایشان پیرامون آموزه مهدویت را بررسی می‌کنیم.

چیستی کلام سیاسی

کلام سیاسی یکی از حوزه‌های اصلی معرفت سیاسی اسلامی است. در تعریفی اجمالی می‌توان کلام سیاسی را چنین تعریف کرد: کلام سیاسی شاخه‌ای از علم کلام است که به

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

تبیین و توضیح آموزه‌های ایمانی و دیدگاه‌های کلان دین درباره مسائل و امـور سیاسـی می‌پردازد و در برابر دیدگاه‌ها و آموزه‌های رقیب، از آن‌ها حمایت می‌کند. (نک: بهروز لک، ۱۳۸۴: ۱۸۶)

«کلام سیاسی عبارت از آموزه‌های سیاسی است که از وحی الهی سرچشمه می‌گیـرد. به عبارت دیگر، اگر پرسش‌های مربوط به فلسفه سیاسی کـه بـا روش انتزاعـی و عقلـی پاسخ داده می‌شوند، از طریق وحی الهی و متون دینی پاسـخ داده شـوند، کـلام سیاسـی تحقق می‌یابد.» (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۵۰۴)

ازاین‌رو، شناسایی دقیق مواضع و دیدگاه‌های کلان دین درباره زندگی سیاسی، تبیـین و استدلال برای آن‌ها و در نهایت، حمایت از این دیدگاه‌ها در برابر شبهات و دیدگاه‌هـای رقیب، دغدغه دفاعی کلام سیاسی از اصول و مبانی دینی است.

وظیفه متکلم، دفاع از دیدگاه‌های اعتقادی است که در بعد سیاسی آن، متکلم سیاسی، رویکردها، زوایا و ابعاد سیاسی و اعتقاد به توسعه قلمرو سیاسی در عرصه اعتقـادات را بـر عهده دارد. بنابراین، کلام سیاسی که پیـرو ویژگـی‌هـای علـم کـلام اسـت، مـی‌کوشـد آموزه‌های سیاسی دین را تبیین سازد و به حمایت از آن برخیزد.

امام خمینی و احیای تفکر دینی

در معرفت‌شناسی دینی امام خمینی، هدف‌هایی که برای دین در نظر گرفته شده است، از چگونگی پیوند انسان با خدا و انجام رفتارهای عبادی فراتر می‌رود.

در اندیشه امام دین سامانه پیونـدها و برجسـتگی‌هـای اجتمـاعی اسـت و هـدف آن، سامان‌دهی جامعه و برون رفت از ناهنجاری‌ها و نـابخردی‌هاسـت. ازایـن‌رو، دیـن بـرای انسان‌ها ایده‌های جمعی و سازمانی دارد. حضرت امام بر این باور بود که حوزه‌ها باید این ایده‌ها را در معرفت دینی وارد سازند و با بررسی آن‌ها، نقش دین در سامان‌دهی اجتماع و اداره جامعه را مشخص کنند.

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

در گفتمان کلامی ـ سیاسی امام خمینی، سنّت‌های دیرپای شیعی با یافته‌های عقلانی دنیای جدید ترکیب می‌شود. اندیشه سیاسی امام در سنّت عقل‌گرای شیعی ریشه دارد و نظریه سیاسی وی نیز مبتنی بر نظام سیاسی امامت شیعی است. اگر ولایت فقیه را به‌عنوان جانشین امام معصوم در کانون مکتب سیاسی امام خمینی بدانیم، بی‌تردید فقهای شیعی از همان آغاز عصر غیبت کبری با تمسک به احادیث و کلام پیشوایان معصوم این اندیشه را بیان کرده بودند و دانشمندانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، محقق کرکی، و صاحب جواهر نیز بر ولایت عامه فقیهان در عصر غیبت تأکید داشتند، ولی نوآوری اساسی امام خمینی را ضمن احیای نظریه «ولایت فقیه» در برابر سیطره تفکر مدرنیسم غربی، باید در طرح و ترکیب برخی عناصر فکری جدید همانند جمهوریت‌خواهی و تأکید بر نقش مردم و قانون اساسی و انتخابات در نظریه ولایت فقیه بدانیم.

تأکید امام خمینی بر جمهوری اسلامی در آستانه انقلاب اسلامی در ایران، نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر، از محورهای اساسی نظریه سیاسی امام خمینی است. ازاین‌رو، نقطه مرکزی اندیشه سیاسی امام خمینی را می‌توان همان «جمهوری اسلامی» بدانیم که اسلامیت، محتوای آن و جمهوریت، شکل آن است.

امام خمینی در بحث امامت، به‌جای تأکید بر فرد امام یا پیامبر برای تشکیل حکومت، بر شریعت و ضرورت اجرای آن اصرار می‌ورزد. بر پایه این استدلال، شریعت از سوی خدا تشریع شده و هدف از آن، اجرای عملی محتوای دین در جامعه است. ازاین‌رو، هرکس آگاه به شریعت و شایسته اجرای آن باشد، باید بکوشد شریعت را به اجرا درآورد و مقدمات آن را که مهم‌ترین آن تشکیل حکومت است، فراهم سازد.

اندیشه کلام سیاسی امام خمینی به لحاظ نظری، فضای فکری تشیع را شکافت و در مرحله عمل تا شکل‌گیری حکومت دینی پیش رفت.

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

مهدویت در آرمان و اندیشه امام خمینی

امام خمینی، از بارزترین اندیشمندانی است که بر اساس دیدگاه فرهنگی ـ اجتماعی، به تحلیل و بازخوانی جامعه بر اساس فرهنگ مهدویت پرداخته و کوشیده است تا بـا تفسـیر درسـت از انتظار منجی، راهی برای برون‌رفت جامعه از بن‌بست‌های عصر غیبت بیابد. در طول یازده قرنی که از آغاز غیبت کبرای امام عصر می‌گذرد، هنوز فقیه، فیلسوف و متکلمی به اندازه امام، در این امر تأثیرگذار نبوده است. رویکرد امام به مهدویت را می‌توان در ایـن مـوارد مطـرح ساخت:

۱. امامت در اندیشه امام خمینی

در نگرش امام خمینی، مفهوم امامت که تداوم‌بخش نبوت است، با توسعه مفهوم مهدویت گره خورده است. امام خمینی، امامت را هم‌پایه نبوت و آن را عامل حفظ جامعه مسلمانان می‌داند و می‌فرماید: همان گونه‌که دین و قرآن در پیشگاه خـدا و پیـامبر بااهمیـت تلقـی می‌شود، امامت هم باید در آن پیشگاه به همان اندازه اهمیت داشته باشد؛ زیرا امامت قوه و جریان قانون است که مقصود اصلی از دیـن و قـانون‌گـذاری اسـت. ازایـن‌رو، بـدون امامـت، قانون‌گذاری امری بیهوده، بسیار کودکانه و از قانون خِرد بیرون است. بنـابراین بـا امامـت، دین، کامل و تبلیغ تمام می‌شود. (نک: امام خمینی، بی‌تا: ۱۳۴ ـ ۱۳۶)

در نتیجه، امامت یکی از اصول اعتقادی مهمّ در اسلام است که خداوند آن را وضع کرد تا اجرای احکام دین و زنده بودن آن تضمین شود. ایشان می‌فرماید: باید امامت که معنـایش تعیـین نگهبان برای دین است، در دین اسلام مسلّم و ثابت باشد و اگر قانون‌گذار اسـلام یـک خردمنـد عادل هم بود، باید تکلیف دین‌داران را پس از خود معین سازد. (نک: همان)

در اندیشه امام خمینی، جریان نبوت و امامت، یک شجره واحده است که تحقق کامل آن در زندگی مسلمانان، ضامن سعادت دین و دنیای آن‌هاست.

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

۲. مفهوم انتظار فرج در اندیشه امام خمینی

انتظار، یکی از عناصر اصلی و مهم منظومه معرفتی تشیع چه در ساحت نظر و چه در حیطه عمل است که شیعه با پذیرش آن در عصر غیبت، به اندیشه نظری و عملی خود در معرفت‌شناسی دینی دست می‌یابد.

امام راحل با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و تلاش خستگی‌ناپذیر در راه تحقق این آرمان، به «انتظار» معنا و مفهوم تازه‌ای بخشید و قرائتی جدید از رسالت شیعیان در برابر حجت خدا مطرح ساخت. انقلاب رهایی‌بخش حضرت امام خمینی نه تنها سبب تحول حیات سیاسی ـ اجتماعی مردم مسلمان ایران شد، بلکه منشأ تحولی ژرف در فرهنگ واژه‌ها و مفاهیم دینی قرار گرفت.

در قلمرو نظر و عمل، با بررسی معنایی مهدویت و انتظار که جزو واژگان کلیدی ادبیات سیاسی امام خمینی به شمار می‌رود، در می‌یابیم که ایشان به دور از هرگونه التقاط فکری و تشتت معرفتی به بازخوانی دوباره از قاموس مفاهیم دینی در عرصه سیاست و اجتماع همت گماشت.

«انتظار» که قرن‌ها با سکون و سکوت و در جا زدن مترادف شمرده می‌شد، در نگاه امام مفهومی دیگر یافت و توانست ابزار دگرگونی وضع موجود و حرکت به سوی آینده مطلوب باشد. (نک: شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۸۵) انتظار در ادبیات امام یک واژه بی‌رنگ نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ فرهنگی که راهبرد مسلمانان را در عصر غیبت سمت‌وسو می‌بخشد. در این نگاه، انتظار، فرسودگی، بازنشستگی و وادادگی انسان‌های منفعل نیست، انتظار، مخرّب و مخدّر تاریخ و افیون توده‌ها نیست، بلکه انتظار منجی در پهنه معرفتی ایشان روح اجتماع و موتور محرک تاریخ است.

امام در جایی می‌فرماید: «ما اگر بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، تکلیفمان است؛ ضرورت اسلام و قرآن ما را تکلیف کرده است که باید برویم این کار را بکنیم... فراهم

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

کردن اسباب این است که کار را نزدیک کنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت مهدی.» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ج۲۰، ۱۹۸ و ۱۹۹)

ایشان حکومت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی مدرن می‌داند و انتظار ظهور حجت را استمرار اقتدار اسلام تبیین می‌کند: «ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند.» (همان: ج۱۸، ۳۷۴)

۳. نفی قرائت‌های سلبی از انتظار

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های امام خمینی، نوسان قرائت‌ها و اختلاف تعریف‌های اصطلاحی از واژه انتظار موعود بود. ایشان با نفی نگرش منفعلانه و ایستا از انتظار، بر خوانش ایجابی و دینامیک از این آموزه تأکید داشت و می‌فرمود: «این طور نیست حالا که ما منتظر ظهور امام زمان هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم عجّل علی فرجه. عجّل با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این است که مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید، ان‌شاءا.. ظهور می‌کند ایشان.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج۱۸، ۲۶۹)

از آنجا که در دوره غیبت، انتظار منفی و تعطیلی حکومت مشروع در مدت طولانی، بر اندیشه اندیشمندان شیعه چیره گشته بود، به نظر می‌رسد تجربه تاریخی این نگاه، شیعه را به این ذهنیت رسانده بود که تنها دو مدل حکومت وجود دارد: حکومت معصوم و حکومت امیر ستمگر که نمی‌تواند مشروع باشد.

امام خمینی مفهوم انتظاری را که در طول قرن‌ها در اذهان بسیاری از شیعیان نقش بسته بود، دگرگون ساخت و با همه دیدگاه‌هایی که «انتظار» را برابر با سکون، رکود و تن دادن به وضع موجود معرفی می‌کرد، به مقابله جدی برخاست:

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

«بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان را از خدا بخواهند... یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم؛ ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان‌شاءا... درست می‌کنند... .

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک شود... . یک دسته‌ای از این بالاتر بودند و می‌گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت تشریف بیاورند.... یک دسته دیگر بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ج۱۲، ۲۰۸ و ۲۰۹)

دسته دیگری بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آن‌ها مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر عَلَمی بلند شود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آن‌ها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد در صورتی که آن روایات که هر کس عَلَم بلند کند، علم مهدی به عنوان مهدویت بلند کند حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این است که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ (همان: ج۲۰، ص۱۹۷)

اینهایی که می‌گویند که هر عَلَمی بلند بشود... خیال کردند که هر حکومتی باشد، این برخلاف انتظار فرج است. (همان)

۴. تبدیل گفتمان سلبی انتظار به ادبیات ایجابی

امام خمینی با بهره‌گیری بهینه از عناصر و اجزای فرهنگ انتظار و با نگاهی اجتماعی و کلان به این آموزه توانست مبدأ تحولات بنیادین در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امت ایران باشد.

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

در نگاه استراتژیک امـام بـه آمـوزه مهـدویت، انتظـار، منتظـر را بـه انـزوا نمـی‌کشـاند و او را از مسئولیت‌های اجتماعی نمی‌رهاند. وی با نگاه عقل‌گرایانه به مفهوم انتظار، نه نگاه نقل‌گرایانـه‌ای (اخباری‌گری) که نقش حداقلی را برای انسان منتظر تعریف می‌کرد، توانست احسـاس مسـئولیت فردی و اجتماعی را در سطح جامعه به بالاترین حد ممکن که تشکیل حکومت بود، ارتقا بخشد.

ایشان به مدد ژرفای جهان‌بینی خویش توانست مفهوم «انتظار» را در اجتهـاد فقهـی خود بازسازی کند و ادبیات سلبی انتظار را به گفتمان ایجابی و مثبت‌اندیش آن بدل سازد.

نتیجه قرن‌ها غلبه نگرش نقل‌محور بر فرهنگ مهدویت، خواسته یا ناخواسته، آشکار و پنهان، جبرگرایی خاموشی بود که بار مسئولیت و تکلیف را از دوش منتظـران برداشـته و سبب گشته بود مکلفان، بی‌اعتنا به عمل به تکـالیف عصـر غیبـت، چهـره در نقـاب اعتمـاد بـه تقدیرگرایی افراطی کشید، ولی امام خمینی با سیره عملی خویش بـه تبیـین و ترجمـه ایـن آیـه شریفه «انّ الله لا یغیِّرُ ما بِقومٍ حَتیّ یُغیِّروا ما بأنفُسِهم» (رعد/ ۱۱) پرداخـت و بـا گشـودن پنجـره عقل بر روی متون نقلی، پس از اعتماد به اختیار انسان در عرصـه سرنوشـت اجتمـاعی خـویش، مفهوم انتظار منجی را به اوج رساند و توانست پایه‌های عقلانی و اجتمـاعی مهـدویت را پشـتوانه اصالت نقلی آن قرار دهد.

ازاین‌رو، ازآنجاکه در این نگرش، پتانسیل فراوانی‌بـرای حرکـت و تغییـر وضـع موجـود بـا بهره‌گیری از مفاهیم اسلامی و اصیل امامت وجود دارد، جامعه شـیعه بـا حفـظ آرمـان اصـیل امامت به فعال‌سازی مجدد مفهوم انتظار فرج پرداخت و آن را بـه اهرمـی بـرای حرکـت و ترمیم جامعه تبدیل ساخت.

۵. طرح تئوری «ولایت فقیه» در اندیشه امام خمینی

سلسله بحث‌های ولایت فقیه، محور اقدامات تبلیغی ـ تربیتی امام در سال ۱۳۴۸ به شمار می‌رود. خواسته‌های سیاسی ۱۵ خرداد نمی‌توانست از حد اجرای قانون اساسی فراتـر رود، به‌گونه‌ای‌که نهایت اجرای قانون اساسی، استقرار مشـروطه سـلطنتی بـود؛ زیـرا انقـلاب

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

مشروطیت از ترکیب دو نیروی اسلام‌خواه و غرب‌گرا به وجود آمده بود. بـر ایـن اسـاس، قانون اساسی آن به هر حال التقاطی بود و در عمل نیز لیبرال‌ها و قدرت‌طلب‌ها با حمایت از بیگانگان هرچه خواستند در عمل انجام دادند، ولی در این مرحله امام خمینی بار دیگـر نظریه ولایت فقیه را احیا ساخت و با استنباط و استنتاج از آن، پشتوانه‌ای فقهی، فلسفی و سیاسی برای انقلاب فراهم آورد، به‌گونـه‌ای‌کـه قیـام ۱۵ خـرداد را تـا مرحلـه برانـدازی شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی پیش راند.

اگر علمای شیعه پس از غیبت کبرا به این نظریه (ولایت فقیه) و حکومت اسلامی در حیطه نظر معتقد بودند، ولی در عمل دیده نشد کسی به صراحت امام خمینی این تئـوری را وارد قلمرو عمل گرداند و به حکومت دینی جامه عمل بپوشاند.

حلقه‌های درس ولایت فقیه حضرت امام، پایه‌های تئوریکی یک انقلاب تمام عیـار را فراهم ساخت؛ زیرا مشروطیت، نهضت ملی نفت و حتی قیام ۱۵ خرداد، در عمل و از نظـر قانونی، هیچ کدام برای براندازی نظام شاهنشاهی و استقرار یک نظـام سیاسـی متضـاد و مخالف با آن طرحی نداشتند، ولی مباحث ولایت فقیه، مبانی نظـری و فلسـفی حکومـت اسلامی را در چارچوب عمل به وظایف فردی و اجتماعی در حیطه حکومت‌داری در عصر غیبت را تبیین کرد و عدم مشروعیت نظام شاهنشاهی را بیش از پیش آشکار ساخت.

امام خمینی با طرح تئوری ولایت فقیه و نگارش بخش‌هایی از کتاب‌هـای *البیـع* و *المکاسـب المحرمه*، به پردازش مبانی استدلالی یکی از اساسـی‌تـرین مباحـث کـلام و فقـه سیاسـی شـیعه (ولایت فقیه) در عصر غیبت پرداخت و کیفیت ستیز با ولایت جور و گسترش قلمرو اختیـار ولی فقیه در نظام سیاسی اسلام را فراهم آورد تا مشروعیت حکومت دینی را تثبیت سازد.

پس از میرزای نائینی که خود از آن به سلطنت اسلامیه تعبیر مـی‌کنـد، امـام خمینـی بحث از حکومت اسلامی را دنبال کرد. ولایت فقیه در تفکر کلامـی شـیعه، پیـرو بحـث امامت است و مبحث امامت و ولایت، از اصول و مبانی عقیدتی امامیه به شـمار مـی‌آیـد.

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

ازاین‌رو، نمی‌تواند یک مدخل فرعی فقهی قلمداد شود، هرچند تکلیفی بودن پذیرش ولایت فقیه برای همه مؤمنان، آن را در زمره احکام تکلیفی و مباحث فقهی نیز قرار می‌دهد و به یک اعتبار، از منظر فقهی نیز بررسی می‌شود. (نک: جلالی، ۱۳۷۹: ۳۵۱) به دیگر سخن، ولایت فقیه به لحاظ جنبه فعل الهی بودن، یک بحث کلامی است و به لحاظ جنبه فعل تکلیفی بودن، یک بحث فقهی شمرده می‌شود.

امام مستقیم به سراغ دیدگاه کلامی و فقهی شیعه درباره حکومت رفت و از توجیه شرعی نظام‌های موجود پرهیز کرد. در واقع نظریه ولایت فقیه با مبانی و انگاره‌های دین‌شناختی ویژه‌ای سازگاری دارد که بدون باور و شناخت ژرف و فقیهانه به آن‌ها نمی‌توان در معرفت دینی به چنین نظریه‌ای دست یافت.

تئوری ولایت فقیه حاکی از این عقیده است که حکومت دینی بهترین شکل حکومت است؛ زیرا فقه به معنای واقعی کلمه دربرگیرنده همه قوانینی است که یک جامعه مطلوب به آن نیازمند است. بر اساس بینش امام، ولایت فقیه در امتداد ولایت رسول الله و ائمه اطهار است. ولایت فقیه همان ولایت مطلقه رسول‌الله است؛ یعنی کار ولی فقیه نظارت بر اجرای احکام فقهی نیست، چنان‌که مرحوم نائینی می‌فرمود شأن ولی فقیه اعمال ولایت بر احکام دین است و اختیار او در اداره جامعه همان اختیار رسول الله است. (همان)

۶. تأسیس حکومت اسلامی و دولت منتظر بر پایه استراتژی انتظار

معمار کبیر انقلاب اسلامی با بیان این مطلب که «بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم را لازم آورده [است]، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست و پس از رحلت رسول اکرم نیز ادامه دارد،» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۸) بنیان یک انقلاب دینی را پی‌ریزی کرد. ایشان ضمن روشن ساختن مشروعیت حکومت اسلامی در عصر غیبت با اثبات اینکه حقیقت دین، جز با اجرای حکومت دینی قابل ظهور نیست، حکومت دینی را از اندیشه به حیطه عمل کشاند و عدل، عقل و عشق را بر سر یک سفره نشاند.

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

مشرب رئالیستی امام در کلام سیاسی و باز تعریف دین و حکومت دینی، متفاوت و متمـایز از دیدگاه ایدئالیستی ذهن‌گرای علمای سلف بود. امام یگانه عالم عصر غیبت بود کـه توانسـت حقیقت نظر را به قله‌های رفیع عمل برساند و حقانیت اصول پایه نظام دینی را مستحکم سازد تـا حکمت عملی اسلام را در جامه حکومت اسلامی مجسّم سازد.

امام خمینی در سه مرحله، آرمان حاکمیت دین را از ذهنیت به عینیت تبدیل سـاخت، به‌گونه‌ای‌که در مرحله نخست، با پردازش به مدخل ولایت فقیه و کتابت بخـش‌هـایی از کتاب‌های البیع و المکاسب المحرمه، مبانی استدلالی یکی از اساسی‌ترین مباحث کـلام و فقه سیاسی شیعه، یعنی ولایت فقیه در عصر غیبت را مطرح ساخت و توانست با تکیه بـر آن، مشروعیت حکومت اسلامی را ثابت کند.

در مرحله دوم که از سال ۱۳۵۷ تا پایان حیات ایشان ادامه یافت، معماری ایـن بنـای سترگ و بی‌مانند را در غیبت جامعه بر عهـده گرفـت و امکـان عینـی و عملـی آن را در گستره حیات اجتماعی به نمایش گذاشت. همچنین برای پاسخ به شبهه‌هـا و نکتـه‌هـای پیچیده‌ای که در طول مسیر پر پیچ و خم انقلاب، تک تک افراد جامعـه بـا آن رو بـه رو می‌شوند، اهتمام ورزید.

در مرحله سوم، با نوشتن وصیت‌نامه سیاسی ـ الهی، به عنـوان آخـرین پیـام مانـدگار خویش، چگونگی ادامه راه، پیش بردن حکومت اسلامی و نیز شیوه نگهبانی و پاسداری از آن را روشن ساخت. (نک: جلالی، ۱۳۷۹: ۳۵۲)

وی در وصیت نامه سیاسی و الهی خویش که مانیفست سیاسی ـ اجتمـاعی ایشـان و نیز به‌عنوان زنده‌ترین سندی است که بایسته‌ها و عملکرد دولت دینی و دولت منتظر را به تصویر کشیده است، می‌فرماید: ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی‌طالب گرفته تا منجی بشر، حضرت مهدی، صاحب الزمان که به قدرت خداوند قادر، زنده و نـاظر امـور است، ائمه ما هستند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج۲۱، ۳۹۶)

خیزش انقلابی امام خمینی با تکیه بر اندیشه مهدویت و تأسیس جامعه منتظـر بـرای

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

آماده‌سازی زمینه‌های ظهور امام زمان بر همگان ثابت کرد که اسلام نـه تنهـا از مسـائل سیاسی ـ اقتصادی، اجتماعی و نظامی هیچ‌گاه به دور نبوده، بلکه در همه عرصه‌ها بهترین راهکار را معرفی ساخته است.

مدخل اندیشه انتظار و دولت منتظر در آرمان امام خمینی، یکی از عناصر و دغدغه‌های اصلی آن رهبر فرزانه است. امام با طراحی این پیش‌فرض ذهنی که آرمـان توحیـد همـه پیامبران به دست حضرت مهدی تحقق خواهد یافت، قرائتی از دولت دینی و منتظر بیـان می‌دارد. ایشان با نفی هرگونه برداشت که سـبب دوری مـردم از دولـت منتظـر و انتظـار منجی شود، طرح نوینی در اندیشه مهدویت و دولت مهدوی در انداخت. وی مـی‌فرمایـد: «در برخی روایات هست که یکی از اعمال مستحب این است که مؤمنین در حال انتظـار اسلحه هم داشته باشند، نه اینکه اسلحه را تهیه کنند و بگذارند کنار و بنشینند. باید اسلحه داشته باشند برای اینکه با ظلم مقابله کنند، با جور مقابله کنند. تکلیف است نهی از منکـر است بر همه ما تکلیف اسـت. بایـد مقابلـه کنـیم بـا ایـن دسـتگاه‌هـای ظـالم خصوصـاً دستگاه‌هایی که با اساس مخالفند.» (صادقی آزرگانی، ۱۳۸۶: ۲۵۳)

بنابراین، آموزه مهدویت در اندیشه امام خمینی به‌عنوان مقصد و علـت غـایی انقـلاب اسلامی تعریف شده است و سیره سیاسی ایشان تنها به تشکیل حکومتی شیعی و تثبیـت نظام سیاسی اسلام محدود نمی‌شود، بلکه انقلاب اسلامی و تشـکیل حکومـت دینـی در آرمان امام به‌عنوان گذار به مدینه فاضله و دولت کریمه ترسیم شده است.

نگرانی اصلی وی در زمان غیبت و عصر پنهان‌زیستی حضرت ولی عصر این بود کـه تحقق انتظار به همان معنای حقیقی خود که تلاش مخلصانه برای گسترش توحید، تحقق عدالت و زدودن ظلم از جامعه با تشکیل حکومت، اداره زندگی و... است، میسر نمـی‌شـد، مگر با یک جهان‌بینی جامع و نگاه کلان به آموزه مهدویت.

ایشان می‌فرماید: «همان دلیلی که لزوم امامت را پس از نبوت اثبـات مـی‌کنـد، عینـاً

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر را در بردارد، به‌ویژه پس از این همه مدت که از غیبت آن بزرگوار می‌گذرد و شاید آن دوران هزارها سال دیگر نیز ادامه یابد که البته علم آن نزد خداست و ما از طولانی شدن آن به خدای بزرگ پناه می‌بریم.» (نک: امام خمینی، ۱۳۶۶: ج۲، ۴۶۱ و ۴۶۲)

زمان حضور و غیبت امام معصوم در اندیشه امام تنها به این معنا بود که ولی فقیه دقیقاً با نیابت عامه، خلأ حضور فیزیکی امام معصوم را پر می‌کند. ایشان در جایی می‌فرماید: «لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی‌ترین امور است، بی‌آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ص۲۳)

در اندیشه امام، حکومت شاخه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله است. امام خمینی ظهور انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی و امکان گسترش آن در دیگر نقاط جهان را مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی حضرت مهدی و تشکیل دولت فراگیر او می‌داند. بنابراین، از این منظر، مهدویت صرفاً یک موضوع تاریخی یا یک اعتقاد کلامی محض نیست، بلکه در افق بلند اندیشه امام، مهدویت پایه اسلام است که نقطه برخورد و اشتراک دین، سیاست، عرفان و فلسفه تاریخ به شمار می‌رود و استمرار و بقای امامت در گرو زنده داشتن این اندیشه ماندگار است.

۷. تحقق تمدن بزرگ اسلامی، تنها راه رسیدن به دولت کریمه مهدویت

امام خمینی معتقد بود پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نقطه آغاز مهندسی تمدن اسلامی است که به انقلاب جهانی حضرت مهدی می‌پیوندد. ازاین‌رو، انقلاب اسلامی در آرمان و اندیشه امام، جهانی کردن اسلام و رسیدن به خلق تمدن بزرگ اسلامی است: مسئولان باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت است که خداوند بر همه مسلمانان و

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مـادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصـرف کنـد، خطـری بـزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خـود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ج۲۱، ۱۰۸)

از دیگر دلایلی که ضرورت بحـث از تمـدن‌سـازی اسـلامی را بیـان مـی‌دارد، وجـود نیازهای انقلاب اسلامی است که امروز توانسته است پرچم دین‌محوری را در اداره عینـی جامعه به اهتزاز درآورد. گرچه قدرت سیاسی، فرهنگی و اقتصـادی نظـام اسـلامی ایـران هیچ‌گاه قابل مقایسه با شاکله انقلاب موعود جهانی به رهبری حضـرت مهـدی نیسـت و هیچ‌یک از رهبران انقلاب اسلامی نیز چنین انگیزه‌ای در سر نداشته‌اند، ولـی چـون ایـن حرکت مؤثر در ساختارها و روابط موجود جهانی با نام دین به وقوع پیوسته و هدف اصلی خود را زمینه‌سازی برای برپایی تمدن اسـلامی مطـرح سـاخته اسـت، در عمـل، رسـالت اندیشمندان مسلمان را در بیان بحث مهندسی تمدن اسلامی دو چندان می سـازد. (نـک: رضایی، ۱۳۸۶: ۹)

حضرت امام خمینی که معتقد بود باید در جامعه اسلامی، توحید در همه سـاحت‌هـای وجود تحقق یابد، موجی را پدید آورد که روژه گارودی فرانسوی درباره آن گفـت: انقـلاب اسلامی و ظهور آن، آغاز عصر جدید است و پایان آن هم با قیام مهدی است. امام اصرار داشتند که مشکلات جامعه ایرانی و بشریت حل نخواهد شد، مگر اینکه یک تمدن مبتنی بر دین و افکار ناب شیعه در جمهوری اسلامی ساخته و به دنیا عرضه شود و دنیا با آشـنا شدن با این تمدن برای امر ظهور موعود و فرا رسیدن پایان خوش تاریخ بشـریت زمینـه‌سـازی کند.

ازاین‌رو، ایشان می‌فرمود: جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و مـا

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

باید در جنگ اعتقادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به لرزه انـدازیم. (امـام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۶)

نتیجه

کلام سیاسی یکی از حوزه‌های دانش سیاسی اسلام اسـت کـه شناسـایی دقیـق مواضـع کلان دین در باب حیات سیاسی، تبیین و استدلال برای آن‌هـا و دفـاع از دیـن در قبـال شبهات و دیدگاه‌های رقیب از کارکردهای این حوزه می‌باشد.

نگاه ایجابی امام خمینی به مهدویت و بازتعریف ایشان از آمـوزه انتظـار منجـی در عصـر غیبت علاوه بر تشدید مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی، منجر بـه خلـق انقـلاب اسلامی گردید. رویکرد کلامی سیاسی امام خمینی به آموزه مهـدویت را در مؤلفـه‌هـایی چون امامت در نگرش سیاسی ایشان، مفهوم انتظار فرج، نفی قرائت‌های سـلبی از انتظـار منجی، تبدیل گفتمان سلبی انتظار به ادبیات ایجابی، طرح تئوری ولایـت فقیـه، تأسـیس حکومت اسلامی و دولت منتظر بر پایه استراتژی انتظار، تحقق تمدن بزرگ اسلامی تنهـا راه رسیدن به دولت کریمه مهدویت تبیین و بررسی کردیم کـه چگونـه امـام خمینـی بـا بازسازی مفهوم انتظار فرج و قرائت صحیح از امامت و مهدویت توانست راهی برای برون رفت جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب ایجاد نماید.

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]

فهرست منابع

۱. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۶، ***کتاب البیع***، قم، انتشارات اسماعیلیان.

۲. ـــــــــــــــــــ ، ۱۳۷۱، ***شئون و اختیارات ولی فقیه***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی.

۳. ـــــــــــــــــــ ، ۱۳۷۳، ***ولایت فقیه***، تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

۴. ـــــــــــــــــــ ، ۱۳۷۸، ***پیام و سخنان امام خمینی: جزوه اسلام ناب جنبش عدالتخواه***، تهران، نصر.

۵. ـــــــــــــــــــ ، ۱۳۸۰، ***صحیفه نور***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۶. ـــــــــــــــــــ ، ۱۳۸۵، ***صحیفه امام***، تهران، موسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی.

۷. ـــــــــــــــــــ ، بی‌تا، ***کشف الاسرار***، قم، انتشارات مصطفوی.

۸. بهروز لک، غلام رضا، ۱۳۸۴، ***نسبت کلام سیاسی و فلسفه سیاسی***، مندرج در فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۲.

۹. جلالی، غلام‌رضا، ۱۳۷۹، ***مراحل شکل‌گیری حکومت اسلامی در بیان و بنان امام خمینی***، فصلنامه حوزه، شماره ۹۵ ـ ۹۴.

۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۲، ***انتظارات بشر از دین***، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۱۱. رضایی، عبدالعلی، ۱۳۸۶، ***موانع و الزامات مهندسی تمدن اسلامی***، قم، انتشارات فجر ولایت.

۱۲. شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵، ابراهیم، ***معرفت امام عصر و تکلیف منتظران***، تهران، موعود عصر.

۱۳. صادقی آزرگانی، محمدامین، ۱۳۸۶، ***سیمای حضرت مهدی در اندیشه امام خمینی***، قسمت دوم مجله حضور، شمارهٔ۱.

۱۴. نایینی، محمدحسین، ۱۳۷۸، تنبیه الامهٔ و تنزیه الملهٔ یا حکومت از نظر اسلام، با مقدمهٔ سید محمود طالقانی، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

[Downloaded from enghelab.maaref.ac.ir on 2024-03-28]